

الیجا - شماره سه

معلوم باد

Jeff Pippenger

2023-09-29

و واقع شد در وقت تقدیم قربانی شامگاه که ایلیا نبی نزدیک آمد و گفت: ای خداوند، خدای ابراهیم و اسحاق و اسرائیل، امروز معلوم شود که تو در اسرائیل خدا هستی و من بنده تو هستم و اینکه من همه این کارها را به فرمان تو کرده‌ام. اول پادشاهان ۱۸:۳۶.

ما در پی شناسایی ویژگی‌های الیاس به عنوان یک نماد بوده‌ایم. یکی از آن ویژگی‌ها این است که خدمت و پیام الیاس، یحیی تعمیددهنده و ویلیام میلر ابزار داوری بودند. خداوند از پیام آنان برای آزمودن دوران مربوط به هر یک استفاده کرد. عیسی گفت که اگر او نیامده بود، آن یهودیان خرده‌گیر گناهی نمی‌داشتند.

اگر نمی‌آمدم و با ایشان سخن نمی‌گفتم، گناهی نمی‌داشتند؛ اما اکنون برای گناه خود پوششی ندارند. یوحنا ۱۵:۲۲.

حزقیال همان اصل را برای یهودیان بهانه‌گیر تاریخ خود مشخص می‌کند.

زیرا آنان فرزندان گستاخ و سنگدل‌اند. من تو را نزد ایشان می‌فرستم؛ و تو به ایشان خواهی گفت: چنین می‌گوید خداوند خدا. و آنان، خواه گوش دهند یا امتناع ورزند (زیرا خاندانی یاغی‌اند)، با این حال خواهند دانست که پیامبری در میانشان بوده است. حزقیال ۲:۴، ۵.

نمادگرایی الیاس شامل نقش او به عنوان وسیله‌ای برای داوری است.

کسانی که به اعلام پیام فرشته سوم مشغول‌اند، کتاب مقدس را به همان روشی که پدر میلر برگزید می‌کاوند. در کتابچه کوچکی به نام «دیدگاه‌هایی درباره نبوت‌ها و گاه‌شماری نبوی»، پدر میلر اصول ساده اما سنجیده و مهم زیر را برای مطالعه و تفسیر کتاب مقدس بیان می‌کند:

۱. هر کلمه باید نسبت درست خود را با موضوع مطرح‌شده در کتاب مقدس داشته باشد؛ ۲. تمام کتاب مقدس ضروری است و با به‌کارگیری کوشش جدی و مطالعه قابل فهم است؛ ۳. هیچ چیز مکشوف در کتاب مقدس از کسانی که با ایمان می‌طلبند و دودل نمی‌شوند، نه می‌تواند و نه خواهد توانست پنهان بماند؛ ۴. برای فهم آموزه، همه آیات کتاب مقدس را درباره موضوعی که می‌خواهید بدانید کنار هم بیاورید، سپس بگذارید هر کلمه تأثیر شایسته خود را داشته باشد؛ و اگر بتوانید نظریه خود را بی‌تناقض صورت‌بندی کنید، نمی‌توانید در خطا باشید؛ ۵. کتاب مقدس باید مفسر خودش باشد، زیرا خود قاعده است. اگر من برای تفسیر به آموزگاری تکیه کنم و او در معنایش حدس بزند، یا به خاطر آیین فرقه‌ای خود چنان بخواهد، یا برای دانا پنداشته شدن، آنگاه حدس، خواست، آیین یا دانایی او قانون من می‌شود، نه کتاب مقدس.

آنچه در بالا آمد بخشی از این قواعد است؛ و در مطالعه کتاب مقدس، بهتر است که همگی به اصول بیان‌شده پایبند باشیم.

ایمان راستین بر کتاب مقدس استوار است؛ اما شیطان از حیل‌های فراوانی برای تحریف کتاب مقدس و القای خطا بهره می‌گیرد، تا آنجا که اگر کسی بخواهد بداند کتاب مقدس واقعاً چه تعلیم می‌دهد، باید بسیار دقت کند. یکی از فریب‌های بزرگ این روزگار این است که بیش از حد بر احساسات تکیه کنند و با ادعای صداقت، چون کلام خدا با احساسات همخوانی ندارد، بیانات

روشن آن را نادیده بگیرند. بسیاری جز احساس، هیچ بنیانی برای ایمان خود ندارند. دینشان در هیجان خلاصه می‌شود؛ وقتی آن فروکش کند، ایمانشان نیز از میان می‌رود. احساس ممکن است گاه باشد، اما کلام خدا گندم است. و پیامبر می‌گوید: «گاه را با گندم چه نسبت است؟»

هیچ‌کس به‌خاطر اعتنا نکردن به نوری و دانشی که هرگز نداشته و نمی‌توانسته به دست آورد، محکوم نخواهد شد. اما بسیاری از اطاعت حقیقتی که به‌وسیله سفیران مسیح به آنان عرضه می‌شود سر باز می‌زنند، زیرا می‌خواهند خود را با معیارهای این جهان وفق دهند؛ و همان حقیقتی که به فهمشان رسیده، نوری که در جان تابیده است، در داوری ایشان را محکوم خواهد کرد. در این روزهای آخر، ما از نوری انباشته برخورداریم که در سراسر اعصار می‌درخشیده است، و به‌تناسب آن پاسخ‌گو خواهیم بود. راه قدوسیت هم‌سطح جهان نیست؛ راهی است برکشیده. اگر در این راه گام برداریم، اگر در طریق احکام خداوند بدویم، خواهیم یافت که «راه عادلان چون نوری تابان است که هرچه بیشتر می‌درخشد تا روز کامل». ۲۵، Review and Herald، نوامبر ۱۸۸۴.

ما به‌خاطر بی‌اعتنایی به نور و معرفتی که هرگز نداشتیم و نمی‌توانستیم به دست آوریم، محکوم نمی‌شویم. جنبه مهم این بیان، عبارت «نمی‌توانستیم به دست آوریم» است. ایلینا، جان و میلر نمایانگر نوری برای نسل‌های مربوط به خود بودند؛ نوری که برای آن نسل‌ها قابل دستیابی بود. حضور پیام آنان پوشش آنچه از نظر حقوقی در ایالات متحده «انکارپذیری موجه» نامیده می‌شود را برداشت. پیام ایلینا در هر نسلی که متجلی شود، هرگونه «انکارپذیری موجه» را از میان برمی‌دارد و بدین‌ترتیب تمام آن نسل را در برابر نوری که آنگاه ارائه می‌شود، پاسخ‌گو می‌سازد.

برادرم زمانی گفت که به‌خاطر ترس از آنکه قانع شود، هیچ چیز درباره تعلیمی که به آن معتقدیم نخواهد شنید. به جلسات نمی‌آمد و به سخنرانی‌ها گوش نمی‌داد؛ اما بعداً اظهار کرد که دریافت به همان اندازه مقصر است که اگر آن‌ها را شنیده بود. خدا فرصتی به او داده بود تا حقیقت را بشناسد، و او را به‌خاطر این فرصت پاسخگو خواهد دانست. در میان ما بسیاری هستند که نسبت به تعلیمی که اکنون مورد بحث است، پیش‌داوری دارند. نمی‌آیند تا بشنوند، یا آرامش تحقیق نمی‌کنند، بلکه در خفا ایرادات خود را مطرح می‌کنند. آنان از موضع خود کاملاً خشنودند. «تو می‌گویی: دولتمندم و دارایی‌ام افزون شده است و به هیچ چیز نیاز ندارم؛ و نمی‌دانی که تو بیچاره و نگون‌بخت و فقیر و کور و عریان هستی. تو را نصیحت می‌کنم که از من طلای آزموده در آتش بخری تا دولتمند شوی؛ و جامه سفید تا پوشیده شوی و رسوایی عربانی‌ات آشکار نگردد؛ و چشمانت را با مرهم چشم تدهین کن تا بینا شوی. آنان را که دوست می‌دارم، توبیخ و تأدیب می‌کنم؛ پس غیور باش و توبه کن.» (مکاشفه 3:17-19)

این آیه درباره کسانی صدق می‌کند که در معرض آوای پیام زندگی می‌کنند، اما برای شنیدن آن حاضر نمی‌شوند. از کجا می‌دانید که خداوند شواهد تازه‌ای از حقیقت خویش نمی‌بخشد و آن را در قالبی نو قرار نمی‌دهد تا راه خداوند آماده شود؟ چه برنامه‌هایی طرح کرده‌اید تا نوری تازه در صفوف قوم خدا جاری گردد؟ چه دلیلی دارید که خدا نوری برای فرزندانش نفرستاده است؟ هرگونه خودبسندگی، خودمحوری و غرور رأی باید کنار گذاشته شود. باید به پای عیسی بیاییم و از او که حلیم و فروتن دل است، بیاموزیم. عیسی شاگردان خود را چنان‌که ربی‌ها شاگردان خود را تعلیم می‌دادند، تعلیم نداد. بسیاری از یهودیان می‌آمدند و هنگامی که مسیح رازهای نجات را آشکار می‌کرد، گوش می‌دادند، اما برای آموختن نمی‌آمدند؛ برای انتقاد می‌آمدند، تا او را در تناقضی گرفتار کنند تا چیزی داشته باشند که به‌وسیله آن مردم را بدبین سازند. آنان به دانش خود قانع بودند، اما فرزندان خدا باید صدای شبان حقیقی را بشناسند. آیا اکنون زمانی نیست که روزه و دعا در حضور خدا بسیار به‌جا باشد؟ ما در خطر اختلافیم، در خطر جانبداری از مسئله‌ای مورد مناقشه؛ و آیا نباید با جدیت و با فروتنی جان، خدا را بطلیم تا بدانیم حقیقت چیست؟ پیام‌های برگزیده، کتاب ۱، صفحه ۴۱۳.

کسانی که پیام ایلیا را نمایندگی می‌کنند، ابزار داوری‌اند در فرایندِ تطهیری که راه را برای فرستادهٔ عهد فراهم می‌کند تا هیکل را تطهیر کند. با به انجام رساندن کارِ تطهیرِ هیکل، نور حقیقتِ زمان حاضر آشکار می‌شود. اگر قرار نبود آشکار شود، آنان که مسیح در گذشته در پی تطهیرشان بود و اکنون نیز هست، ردای لاودیکه‌ای خودفریبی‌شان را بر تن نگاه می‌داشتند. ایلیا نمادِ خدمتی است که حقیقت را به‌عنوان ابزاری برای داوری عرضه می‌کند. از همین رو به ما گفته شده است که کسانی که پیام یوحنا تعمیددهنده را رد کردند، نتوانستند از تعلیم عیسی بهره‌مند شوند.

"توجه دوباره به اعلام ظهور نخستین مسیح جلب شد. یوحنا در روح و قدرت ایلیا فرستاده شد تا راه را برای عیسی آماده سازد. کسانی که شهادتِ یوحنا را رد کردند، از تعلیم عیسی بهره‌ای نبردند." نوشته‌های نخستین، ۲۵۸.

در تاریخ‌های پیش‌گویانه‌ای که پاک‌سازی قوم خدا را به تصویر می‌کشند، پیام حقیقتِ حاضر مهرش گشوده می‌شود که نسل را در برابر انتخابِ تاریکی یا نور پاسخگو می‌سازد.

اما تو، ای دانیال، این سخنان را پنهان کن و کتاب را تا زمان پایان مهر کن؛ بسیاری این‌سو و آن‌سو خواهند دوید و دانش افزون خواهد شد... و گفت: راه خود را برو، ای دانیال؛ زیرا این سخنان تا زمان پایان بسته و مهر شده است. بسیاری تطهیر شده، سفید گردیده و آزموده خواهند شد؛ اما شریبان به شرارت خواهند پرداخت، و هیچ‌یک از شریبان نخواهند فهمید؛ اما خردمندان خواهند فهمید. دانیال ۴:۱۲، ۹، ۱۰.

کسانی که پیام ایلیا را برای نسل‌های خود نمایندگی می‌کنند، از سوی مسیح به‌عنوان سفیران او شناخته می‌شوند تا از آنان به‌عنوان ابزار داوری استفاده کند. ایلیا به همین نکته اشاره داشت وقتی گفت: «امروز معلوم شود که تو در اسرائیل خدا هستی، و من بندهٔ تو هستم، و همه این کارها را به فرمان تو انجام داده‌ام.»

این حقیقت همچنین توسط عیسی دربارهٔ یوحنا تعمیددهنده بیان شده است.

و چون ایشان رفتند، عیسی دربارهٔ یحیی خطاب به انبوه مردم چنین گفت: برای دیدن چه چیز به بیابان بیرون رفتید؟ نی‌ای که از باد می‌لرزد؟ اما برای دیدن چه بیرون رفتید؟ مردی با جامه‌های نرم؟ اینک آنان که جامه نرم می‌پوشند در کاخ‌های پادشاهانند. اما برای دیدن چه بیرون رفتید؟ پیامبری؟ آری، به شما می‌گویم، بلکه برتر از پیامبر. زیرا او همان است که درباره‌اش نوشته شده: اینک فرستادهٔ خود را پیش روی تو می‌فرستم تا راه تو را پیش از تو آماده سازد. متی ۷:۱۱-۱۰.

یوحنا بیش از یک نبی بود؛ او وسیلهٔ داوری بود، و خدمت او برای نسلش شناخته شد، زیرا آنان برای دیدن او به بیابان رفته بودند، همان‌گونه که تمام اسرائیل به فرمان آخاب به کرمل آمدند. ویلیام میلر افزایش دانشی را که در سال ۱۷۹۸ مهر از آن برداشته شد، درک کرد. او نمایندهٔ کسانی بود که با افزایش دانش، در کلام خدا به هر سو می‌دویدند. پیام او بر زمان‌های نبوی بنا شده بود و در سال ۱۸۴۰ پیام و خدمتش به‌گونه‌ای در نسل او جای گرفت که تمام دنیای پروتستان نظاره‌گر شد تا ببیند روش او کار می‌کند یا نه. وقتی تأیید شد، پیام او به سراسر جهان منتشر شد.

"در سال ۱۸۴۰ تحقق چشمگیر دیگری از پیشگویی، علاقهٔ گسترده‌ای را برانگیخت. دو سال پیش از آن، جوسایا لیچ، یکی از کشیشان برجستهٔ مبلغ ظهور دوم، شرحی بر مکاشفه باب ۹ منتشر کرد و در آن سقوط امپراتوری عثمانی را پیش‌بینی نمود. بر اساس محاسبات او، این قدرت قرار بود ... در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ سرنگون شود، زمانی که انتظار می‌رود قدرت عثمانی در قسطنطنیه درهم شکسته شود. و این، به باور من، ثابت خواهد شد که چنین است."

دقیقاً در زمان تعیین شده، ترکیه از طریق سفیرانش حمایت قدرت‌های متحد اروپا را پذیرفت و بدین‌سان خود را زیر کنترل کشورهای مسیحی قرار داد. این رویداد پیشگویی را به‌طور دقیق تحقق بخشید. هنگامی که این امر آشکار شد، انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوتی که میلر و همکارانش برگزیده بودند قانع شدند، و جنبش ظهور نیروی محرکه‌ای شگفت‌انگیز یافت. مردانی دانشمند و صاحب‌منصب با میلر متحد شدند، هم در موعظه و هم در انتشار دیدگاه‌های او، و از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ کار به‌سرعت گسترش یافت. مناقشه بزرگ، ۳۳۴، ۳۳۵.

دورهٔ «۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴» نمایانگر تاریخ «هفت رعد» در مکاشفهٔ فصل دهم است. در آن دوره، روندی از تطهیر که در ملاکی فصل سوم و در دو بار تطهیر هیکل توسط مسیح به تصویر کشیده شده بود، آغاز شد. این روند تطهیر فرایندی آزمون‌گرانه و تدریجی بود که بر مبنای برداشت میلر از اصل «یک روز معادل یک سال» استوار بود. کسانی که پیام ایلیا را نمایندگی می‌کنند، راه را برای پیام‌آور عهد که ناگهان به هیکل خود می‌آید، آماده می‌سازند، و آنان نماد ایزاری برای داوری‌اند که به دست پیام‌آور عهد به کار گرفته می‌شود تا کسانی را که تاریکی را به‌جای نور برمی‌گزینند، بروید.

من در حقیقت شما را با آب برای توبه تعمید می‌دهم؛ اما آن که پس از من می‌آید، از من تواناتر است و من شایسته نیستم کفش‌های او را حمل کنم. او شما را با روح‌القدس و با آتش تعمید خواهد داد. بیل بادزنی در دست اوست و خرمنگاه خود را کاملاً پاک خواهد کرد و گندمش را در انبار جمع خواهد کرد؛ اما گاه را با آتشی خاموشی‌ناپذیر خواهد سوزاند. متی ۱۱:۳، ۱۲.

در روزگار مسیح، چنان‌که در یوحنا ۶:۶۶ آمده، او بیش از هر زمان دیگری شاگردانش را از دست داد. در کتاب *The Desire of Ages*، که در آن به این بخش از یوحنا پرداخته شده، روش به‌کار بستن نبوت دقیقاً همان دلیلی بود که شاگردان را به رفتن واداشت. آن‌ها در نمی‌یافتند که امر ظاهری نمایانگر امر روحانی است، و به گفتهٔ رسول پولس، امر ظاهری بر امر روحانی مقدم است.

و چنین نوشته شده است: نخستین انسان، آدم، نفس زنده گردید؛ و آدم آخر، روح زنده‌کننده گردید. لیکن نخست آنچه روحانی است نبود، بلکه آنچه طبیعی است؛ و پس از آن، آنچه روحانی است. اول قرنیتیان ۱۵:۴۵، ۴۶.

چون نمی‌خواستند و از این رو نمی‌توانستند، یهودیان زمانی که او اظهار کرد نان آسمانی‌ای است که باید خورده شود، از درک مسیح سر باز زدند. رسوم و سنت‌ها بر شیوه‌ای که خود مسیح به کار می‌بست غالب آمدند. در این باره، خواهر وایت نوشته است:

به سبب سرزنش علنی ناباوری‌شان، این شاگردان بیش از پیش از عیسی دور شدند. سخت ناخشنود شدند و، چون می‌خواستند نجات‌دهنده را بیازارند و کینه‌توزی فریسیان را ارضا کنند، به او پشت کردند و با تحقیر او را ترک گفتند. انتخاب خود را کرده بودند: ظاهر را بی‌روح گرفته بودند، پوسته را بی‌مغز. از تصمیمشان دیگر هرگز بازنگشتند؛ زیرا دیگر با عیسی همراهی نکردند.

«بیل او در دست اوست، و خرمنگاه خود را به کلی پاک خواهد کرد، و گندم خود را در انبار جمع خواهد کرد.» متی ۱۲:۳. این یکی از زمان‌های پاکسازی بود. به واسطهٔ سخنان حقیقت، گاه از گندم جدا می‌شد. چون چنان خودبین و خودعادل بودند که توبیخ را نپذیرند، و چنان دنیا دوست که زندگی فروتنانه را قبول نکنند، بسیاری از عیسی روی برتافتند. هنوز هم بسیاری همین کار را می‌کنند. امروز نیز نفوس همان‌گونه آزموده می‌شوند که آن شاگردان در کنیسهٔ کفرناحوم آزموده شدند. وقتی حقیقت به دل می‌نشیند، می‌بینند که زندگیشان مطابق ارادهٔ خدا نیست. نیاز به تغییری کامل در خود می‌بینند؛ اما حاضر نیستند کار انکار نفس را بر عهده گیرند. پس وقتی گناهانشان برملا می‌شود خشمگین می‌شوند. رنجیده می‌روند، همان‌گونه که آن شاگردان عیسی را ترک کردند و زیر لب می‌گفتند: «این سخن سخت است؛ چه کسی می‌تواند آن را بشنود؟»

این پیام‌آور عهد ملاکی است که پسران لاوی را با آتش پالایش می‌کند. او خرمنگاه خود را به تمامی پاک می‌کند و گندم را از گاه جدا می‌سازد. او این کار را با بادبزن انجام می‌دهد. بادبزن وسیله‌ای است که جداسازی را به انجام می‌رساند، و همان بادبزن پیام حقیقت حاضر برای هر تاریخ مربوطه است که در آن او پسران لاوی را تطهیر می‌کند. آن بادبزن پیام ایلیا و پیام‌آورانی است که نمایانگر ابزار داوری‌اند.

اینک، من فرستاده خود را می‌فرستم، و او راه را پیش روی من مهیا خواهد کرد؛ و خداوندی که او را می‌جویند، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد، همان فرستاده عهد که در او خوشی می‌یابید. اینک، او خواهد آمد، می‌گوید خداوند لشکرها. اما کیست که بتواند روز آمدنش را تاب آورد؟ و چون ظاهر شود، چه کسی می‌تواند بایستد؟ زیرا او چون آتش پالاینده است و مانند صابون رخت‌شویان. و او چون پالاینده و پاک‌کننده نقره خواهد نشست، و پسران لاوی را پاک خواهد ساخت و ایشان را مانند طلا و نقره تصفیه خواهد کرد، تا برای خداوند قربانی را به عدالت تقدیم کنند. آنگاه قربانی یهودا و اورشلیم برای خداوند پسندیده خواهد بود، چنان‌که در ایام کهن و سال‌های پیشین. ملاکی ۱:۳-۴.

آن که پس از یوحنا تعمیددهنده می‌آید، همان کسی است که خرمنگاه خود را با بادبزن پاک می‌کند و مانند آتش پالاینده است. فرایند پالایش به دست فرستاده عهد انجام می‌شود و از این رو به تاریخی اشاره دارد که در آن خداوند با قومی برگزیده تازه به عهد درمی‌آید. هنگامی که اسرائیل باستان از بردگی مصر رهایی یافت، یکی از مضامین آن تاریخ مقدس موضوع «نخست‌زاده» بود؛ خواه مرگ نخست‌زادگان مصر باشد، خواه معرفی اسرائیل از سوی خدا به عنوان نخست‌زاده خود.

و به فرعون بگو: خداوند چنین می‌گوید: اسرائیل پسر من است، یعنی نخست‌زاده من. و به تو می‌گویم: پسر من را رها کن تا مرا خدمت کند؛ و اگر از رها کردن او سر باز زنی، اینک پسر تو، یعنی نخست‌زاده تو را خواهم کشت. خروج ۴:۲۲، ۴:۲۳.

هنگامی که خدا در رهایی از مصر با اسرائیل عهد بست، نقشه الهی این بود که هر نخست‌زاده پسر از هر یک از اسباط به خدمت کاهنی وقف شود. اما در واقعه گوساله طلایی، تنها سبط لاوی بود که در کنار موسی ایستاد. به سبب وفاداری‌شان، خدا نقشه خود را مبنی بر اینکه هر نخست‌زاده از هر سبط به کاهنی اختصاص یابد لغو کرد و سایر اسباط را کنار گذاشت و حق انحصاری کاهنی را به سبط لاوی داد. هنگامی که فرستاده عهد پسران لاوی را تطهیر می‌کند، این نمایانگر تاریخی است که در آن قوم عهد پیشین کنار گذاشته می‌شوند تا قوم عهد جدید جایگزین شوند. چنین بود در مورد یوحنا تعمیددهنده، پیروان میلر، و چنین خواهد بود درباره یکصد و چهل و چهار هزار. از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴، روندی از تطهیر به واسطه موضوع آزمون‌گر پیام نبوی که به ویلیام میلر داده شده بود آغاز شد. این امر به آمدن ناگهانی خداوند به هیکلش در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ انجامید، اما روند تطهیر تا ۱۸۶۳ پایان نیافت.

هم پیشگویی دانیال ۸:۱۴، "تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه مقدسگاه تطهیر خواهد شد"، و هم پیام فرشته نخست، "از خدا بترسید و او را جلال دهید، زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است"، به خدمت مسیح در قدس‌الاقداص و به داوری تحقیقی اشاره داشتند، نه به آمدن مسیح برای نجات قومش و نابودی شریران. خطا نه در محاسبه دوره‌های نبوی بود، بلکه در واقعه‌ای که می‌بایست در پایان دو هزار و سیصد روز رخ دهد. به سبب این خطا، ایمانداران دچار سرخوردگی شدند؛ اما هرآنچه در نبوت پیش‌گفته شده بود و هرآنچه انتظار داشتندش را کتاب مقدس تأیید می‌کرد، تحقق یافته بود. در همان زمانی که آنان بر ناکامی امیدهایشان افسوس می‌خوردند، رویدادی که پیام پیشاپیش از آن خبر داده بود و که می‌بایست پیش از آن که خداوند ظاهر شود تا به بندگانش پاداش دهد، تحقق یابد، رخ داده بود.

مسیح آمده بود، نه به زمین، چنان که انتظار داشتند، بلکه، همان گونه که در نمونه از پیش نشان داده شده بود، به قدس‌الاقداَس هیکل خدا در آسمان. پیامبر دانیال او را در این هنگام چنین معرفی می‌کند که نزد قدیم‌الایام می‌آید: «در رؤیاهای شبانه دیدم، و اینک، کسی مانند پسر انسان با ابرهای آسمان آمد — نه به زمین، بلکه — نزد قدیم‌الایام؛ و او را به حضورش نزدیک آوردند.» دانیال ۱۳:۷.

این آمدن را پیامبر ملاکی نیز پیشگویی کرده است: «خداوندی که او را می‌جوئید، ناگهان به هیکل خود خواهد آمد؛ یعنی فرستاده عهد که از او خشنودید. اینک، او خواهد آمد، می‌گوید خداوند لشکرها.» ملاکی ۱:۳. آمدن خداوند به هیکلش برای قوم او ناگهانی و غیرمنتظره بود. آنان او را در آنجا انتظار نمی‌کشیدند. آنان انتظار داشتند او به زمین بیاید، «در آتش شعله‌ور، از کسانی که خدا را نمی‌شناسند و از انجیل اطاعت نمی‌کنند، انتقام می‌گیرد.» دوم تسالونیکیان ۱:۸.

اما مردم هنوز آماده ملاقات با خداوندشان نبودند. هنوز کاری برای آماده‌سازی آنان باید انجام می‌شد. باید نوری داده می‌شد تا اندیشه‌هایشان را به هیکل خدا در آسمان هدایت کند؛ و چون با ایمان کاهن اعظم خود را در خدمت او در آنجا پیروی می‌کردند، وظایف تازه‌ای بر آنان آشکار می‌شد. پیام دیگری از هشدار و تعلیم باید به کلیسا داده می‌شد.

پیامبر می‌گوید: «چه کسی می‌تواند روز آمدن او را تاب آورد؟ و چون او ظاهر شود چه کسی می‌تواند بایستد؟ زیرا او همچون آتش پالاینده و مانند صابون سفیدکنندگان است؛ و او چون پالاینده و پاک‌کننده نقره خواهد نشست؛ و پسران لای را پاک خواهد کرد و ایشان را چون طلا و نقره تصفیه خواهد نمود، تا برای خداوند هدیه‌ای به عدالت تقدیم کنند.» ملاکی ۲:۳، ۳:۳. آنان که هنگامی که شفاعت مسیح در قدس آسمانی پایان یابد بر زمین زنده‌اند، باید در حضور خدای قدوس بدون شفیع بایستند. جامه‌هایشان باید بی‌لکه باشد؛ شخصیت‌هایشان باید به واسطه خون پاشش از گناه تطهیر شود. به فیض خدا و به کوشش ساعیان خود باید در نبرد با شر غالب شوند. در حالی که داوری تحقیقی در آسمان در جریان است و گناهان ایمانداران توبه‌کار از قدس برداشته می‌شود، باید در میان قوم خدا بر زمین کاری ویژه برای تطهیر و کنار نهادن گناه انجام گیرد. این کار به گونه‌ای روشن‌تر در پیام‌های مکاشفه ۱۴ بیان شده است.

هرگاه این کار به انجام رسد، پیروان مسیح برای ظهور او آماده خواهند بود. «آنگاه قربانی یهودا و اورشلیم نزد خداوند پسندیده خواهد بود، چنان که در روزگاران قدیم و سال‌های پیشین.» ملاکی ۳:۴. آنگاه کلیسایی که خداوند ما هنگام آمدنش آن را نزد خود خواهد پذیرفت، «کلیسای پرشکوه، بی‌لکه و بی‌چروک و هیچ چیز از این قبیل» خواهد بود. افسسیان ۵:۲۷. آنگاه او «چون بامداد رخ خواهد نمود، زیبا چون ماه، روشن چون خورشید، و هیبت‌انگیز چون لشکری با بیرق‌ها.» غزل ۶:۱۰.

علاوه بر آمدن خداوند به هیکلش، ملاکی ظهور دوم او، یعنی آمدنش برای اجرای داوری، را نیز چنین پیشگویی می‌کند: "و برای داوری به شما نزدیک خواهم شد؛ و به سرعت بر ضد جادوگران، و بر ضد زناکاران، و بر ضد کسانی که به دروغ سوگند می‌خورند، و بر ضد آنان که به مزدور در مزدش، و به بیوه‌زن و یتیم ستم می‌کنند، و بیگانه را از حَقش محروم می‌سازند، و از من نمی‌ترسند، می‌گوید خداوند لشکرها." ملاکی ۳:۵. یهودا نیز به همین صحنه اشاره می‌کند آنگاه که می‌گوید: "اینک، خداوند با ده‌ها هزار تن از مقدسان خود می‌آید تا داوری را بر همه اجرا کند و همه بی‌دینان در میان ایشان را از بابت همه اعمال بی‌دینانه‌شان محکوم سازد." یهودا ۱۴، ۱۵. این آمدن، و آمدن خداوند به هیکلش، رویدادهایی متمایز و جداگانه‌اند.

آمدن مسیح به عنوان کاهن اعظم ما به قدس‌الاقداَس، برای تطهیر قدس، که در دانیال 8:14 بیان شده است؛ آمدن پسر انسان نزد قدیم‌الایام، چنان که در دانیال 7:13 آمده است؛ و آمدن خداوند به

هیكل خود، که توسط ملاکی پیشگویی شده است، همگی توصیف‌های همان رویداد هستند؛ و همین امر همچنین با آمدن داماد به عروسی، که مسیح در مَثَل ده باکره در متی 25 توصیف کرده است، به تصویر کشیده شده است. نبرد عظیم، 424-426.

در بند آخر به چهار «آمدن» اشاره شده و همگی آن‌ها همان یک آمدن واحدند که به چهار شیوه متفاوت نمادین شده‌اند. یکی از آن «آمدن‌ها» مَثَل ده باکره است.

"اغلب توجه من به مَثَل ده باکره جلب می‌شود؛ پنج تن از آنان خردمند بودند و پنج تن نادان. این مَثَل مو به مو تحقق یافته و خواهد یافت، زیرا برای این زمان کاربردی ویژه دارد و، همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود." Review and Herald، ۱۹ اوت ۱۸۹۰.

اگر چهار «آمدن» «توصیف یک رویداد واحد» باشند، آنگاه آن چهار «آمدن» که در آغاز ادونتیسیم در جنبش میلرایت تحقق یافتند، در جنبش الیاس در پایان ادونتیسیم دوباره «مو به مو» «تحقق خواهند یافت».

ویلیام میلر و پیروان میلر نمایندگان پیام فرشته اول بودند، و در همان قطعه از «نوشته‌های نخستین» که اخیراً نقل کردیم، آمده است که پیام فرشته اول دارای همان ویژگی‌های یوحنا تعمیددهنده بود. ما آن بخشی را نقل کردیم که می‌گوید کسانی که پیام یوحنا تعمیددهنده را رد کردند، نمی‌توانستند از تعالیم عیسی بهره‌مند شوند. در پاراگراف بعدی او می‌گوید: «کسانی که پیام نخست را رد کردند، نمی‌توانستند از دومین پیام بهره‌مند شوند؛ همچنین از فریاد نیمه‌شب نیز بهره‌مند نشدند، فریادی که قرار بود آنان را آماده کند تا با ایمان، همراه با عیسی وارد قدس‌الاقداس مقدس‌گاه آسمانی شوند.» هر دو، ویلیام میلر و یوحنا تعمیددهنده، نمایانگر ابزارهای داوری‌اند.

اگر هیچ‌یک از آن دو ظهور نمی‌کردند، نسل‌های مربوط به ایشان بابت رد نور مورد مؤاخذة قرار نمی‌گرفتند. خدا از آن دو پیام‌آور استفاده کرد تا ردای لاودیکیه‌ای گناه را بردارد و بدین‌سان برهنگی لاودیکیه‌ای قوم برگزیده پیشین را آشکار سازد، با معرفی پیامی که، چه پذیرفته می‌شد و چه رد می‌شد، در داوری به‌عنوان نشانه‌ای به کار می‌رفت که پیامبری در میان‌شان بوده است. تاریخ سال‌های ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ به‌گونه‌ای نمادین با فرود آمدن آتش بر قربانی ایلپا بر کوه کرمل تصویر شده بود. نبی راستین از پیامبران دروغین متمایز شده بود.

ما در نقطه‌ای هستیم که باید طرح کلی فرایند تطهیری را که پس از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ ادامه یافت، بیان کنیم. خواهر وایت اظهار داشت که پس از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ «مردم هنوز برای ملاقات با خداوند خویش آماده نبودند. هنوز کاری از آمادگی برای آنان باقی بود که باید به انجام می‌رسید. باید نوری عطا می‌شد که ذهن‌های آنان را به سوی هیكل خدا در آسمان هدایت کند؛ و چون می‌بایست به ایمان، کاهن اعظم خود را در خدمت او در آنجا پیروی کنند، وظایف تازه‌ای بر آنان مکشوف می‌گشت. پیام دیگری از هشدار و تعلیم باید به کلیسا داده می‌شد.»

وقتی ادونتیسیم «هفت بار» باب بیست‌وششم لاویان را که دانیال آن را «سوگند موسی» نامید، رد کرد، توانایی تشخیص این را از دست داد که روند تطهیر فراتر از کار اولیه خود در فهم حقایق مرتبط با گشایش داوری ادامه یافت.

در مقاله بعدی به فرایند پالایش مستمر خواهیم پرداخت و آغاز خواهیم کرد به هم‌راستا کردن شاخ پروتستان‌تیسیم حقیقی که ادونتیسیم میلری در دهه ۱۸۴۰ دریافت کرد با شاخ جمهوری‌خواهی.